

در کی از توضیحات فنی نداشتند و قادر به مشاهده‌ی تاثیر فعالیت آنها بر پروژه‌ی خود نبودند. باز خورد این بود که "شاید اصلاً کاری برای من انجام نمی‌شود و فقط از من پول دریافت شده است" و این یعنی کلاهبرداری! دقیقاً چیزی که از شرکتهای «دیجیتال مارکتینگ» در ذهن عموم شکل گرفته است.. و در این میان هیچ کس مقصراً واقعی نبود. خلاصی ذهنی و در کی بین مشتری و گروه فنی بود که مسلمانیروهای فنی جوان و بعضاً نوجوان و درونگرا و بی‌تجربه‌ی بازار نمی‌توانستند آن را پر کنند. و این بدء بستان بیهوده بین گروه ما و مشتریان تلنگری ایجاد کرد: مانیاز به ویترینی مهربان‌تر و صمیمی تر و نه فقط فنی داریم؛ روابط عمومی!

از گروه، آنهایی را که پخته‌تر بودند و تجربه‌ی صنعت و بازار داشتند انتخاب کردیم؛ و شدند ویترین کاكتوس. هدف فروش نبود، هدف نشان دادن فضای واقعی و دوستانه‌ی «کاكتوس» بود، چه مخاطب مشتری باشد و چه نباشد. این کار در محیط‌های فیزیکی و مجازی با راهبردی صحیح و هماهنگ پیگیری می‌شد. در دفتر به روی همه باز شد، حتا برای جلسات غیرکاری. دیدن نحوه‌ی کار کردن گروه فنی در محیط شرکت و رفت‌وآمد بجهه‌های فروش و مدیران، حس خوبی به حاضرین می‌داد. این حس که کلاهبرداری در کار نیست! کاری انجام می‌شود و عده‌ای صبح تا اعصر در دفتری پشت سامانه‌های ابده شدت کار می‌کنند. گروه روابط عمومی شکل گرفته بود. باز خوردهای ابده موضوع فنی بالحنی صحیح‌تر منتقل می‌شدو «نسل زد» گروه فنی ما، با آدم بزرگ‌ها آشتبای کردا! همه چیز شفاف‌تر و واقعی‌تر شد؛ چه برای کاكتوس و چه برای مشتریان.

و این شد که ما روابط عمومی دار شدیم!

فرزانه زرمهری

مدیر صنعت و روابط بین الملل



چه شد که روابط عمومی دار شدیم؟!

داستان گروه «دیجیتال مارکتینگ کاكتوس» از سال ۱۳۹۷ آغاز شد، گروهی با تخصص فعالیت در فضای برشط؛ از راهبرد تا طراحی و اجرا و با تمرکز بر وب‌سایت و سئو، با مرکزیت شهر مقدس مشهد.

این که چه شد گروه متخصص و فنی تصمیم گرفت بخش روابط عمومی را تقویت کند برگرفته از تجربه‌ای بود که در این سال هابه دست آورد. گروه تشکیل شده بود از مدیریت که بر راهبرد شرکت و مشتریان تمرکز داشت، گروه فنون که فقط بر بخش فنی تسلط داشتند و گروه فروش که به بررسی بازار می‌پرداختند. اما شواهد و قرائن حاکی از این بود که در این میان چیزی کم است؛ هم‌دلی بامشتریان! مشتریانی که اغلب از اطلاعات فنی «دیجیتال مارکتینگ» ناگاه بودند و این بی‌تسلطی بر پروژه‌ی شخصی، به آنها حس ناالمنی می‌داد.